

رافائل گروسی در اظهاراتی دوپهلو در مورد توانمندی هسته‌ای ایران، تهدید ضدایرانی ترامپ را تکرار کرد

بازوی سیاسی پمپاژ ترس فعال شد



اخیراً رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA)، اظهاراتی درباره برنامه هسته‌ای ایران مطرح کرده که مطابق معمول خالی از رویکردهای ضد ایرانی نیست؛ اما این بار برای اینکه مسیر کمپین فشار به ایران، جهت وادار کردن تهران به مذاکره زیاده‌خواهانه ترامپ، بسته نشود، صراحتاً گفت که ایران بمب هسته‌ای ندارد. او در بخشی از این گفت‌وگو که با شبکه «La Nacion» آرژانتین انجام شده، تأکید کرد: «برای اینکه کسی گمراه نشود، تأکید می‌کنم: ایران سلاح هسته‌ای ندارد.» گروسی همچنین به جدّیت تهدیدات نظامی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، علیه ایران اشاره کرده است.

اظهارات گروسی، تهدیدات نظامی ترامپ و فشارهای بین‌المللی، همگی بخشی از یک راهبرد چندوجهی برای وادار کردن ایران به مذاکره هستند. در این شرایط، اجرای برجام یا جایگزینی آن با توافقی جدید همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، اما فشارها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که ایران را به سمت مذاکره سوق دهند. به همین دلیل، بهانه‌جویی‌ها برای فعال کردن مکانیسم ماشه احتمالاً شدیدتر از گذشته خواهد شد تا این پیام به ایران ارسال شود که در بعد سیاسی، اعمال فشار به ایران جدی است. با این حال، ظرفیت آمریکا برای باز کردن جبهه‌ای جدید علیه ایران محدود است و تهدیدات نظامی به‌خوبه جنبه روانی دارد تا عملیاتی. تشدید درگیری‌ها در غزه و یمن نیز بیهوده خود پیام جدیدی برای ایران ندارد و نمی‌تواند به‌عنوان اهرم فشار مؤثری عمل کند.

■ ■ ■

■ **راهبرد آمریکا؛ تهدید نظامی و فشار دیپلماتیک**

دونالد ترامپ پس از بازگشت به قدرت در ژانویه ۲۰۲۵، بار دیگر سیاست فشار حداکثری علیه ایران را احیا کرده است. او در اظهاراتی در اواخر اسفند ۱۴۰۳ (مارس ۲۰۲۵)، حملات نظامی به مواضع حوثی‌ها در یمن را «قاطع و قدرتمند» توصیف کرد و هشدار داد که اگر ایران به حمایت از این گروه ادامه دهد، با واکنش سخت آمریکا مواجه خواهد شد.

این تهدیدات در حالی مطرح می‌شود که ترامپ در کارزار انتخاباتی خود وعده پایان دادن به جنگ‌ها در جهان را داده بود. با این حال، تشدید درگیری‌ها در غزه، یمن و عدم توفیق در پایان دادن به جنگ اوکراین نشان می‌دهد که این وعده تاکنون محقق نشده و حتی ممکن است به پیچیده‌تر شدن اوضاع منجر شود.

■ ■ ■

تهدید ایران از طریق حمله به یمن، نشانه‌ای از محدودیت‌های عملیاتی و سیاسی ترامپ است؛ چراکه یمن از سال‌ها پیش صحنه درگیری‌های فرسایشی بوده و حملات اخیر آمریکا به حوثی‌ها پیام جدیدی به ایران منتقل نمی‌کند.

این انتخاب نشان می‌دهد که ظرفیت آمریکا برای باز کردن جبهه‌ای جدید علیه ایران، به‌ویژه در شرایط کنونی که درگیری‌ها در غزه و اوکراین ادامه دارد، کاهش یافته است. بنابراین، تهدیدات نظامی ترامپ بیشتر جنبه روانی و دیپلماتیک دارد تا عملیاتی. نام تهدیدآمیز ترامپ به ایران و راهبرد رسانه‌ای او برای معتبر جلوه دادن این تهدیدات، بخشی از تلاش او برای کسب دستاورد سیاسی بدون هزینه جنگ است و می‌توان آن را تلاشی برای جبران ناکامی‌ها و نمایش قدرت دیپلماتیک دانست. او به دنبال ایجاد فشار روانی و وادار کردن ایران به پذیرش مطالباتش بدون هزینه جنگ است. این راهبرد نیازمند کمپین‌های رسانه‌ای و سیاسی است که تهدیدات را بزرگ‌نمایی کرده و آن‌ها را معتبر جلوه دهند. کمپینی که به نظر می‌رسد رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز مواضعش را با آن تنظیم کرده است.

■ **بندبازی گروسی روی طناب ترامپ**

گروسی در اظهارات خود به ذخایر اوپرونیوم غنی‌شده ایران اشاره کرده که به گفته او، برای ساخت ۶ یا ۷ سلاح هسته‌ای کافی است. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که ایران بارها اعلام کرده برنامه هسته‌ای‌اش صرفاً برای مقاصد صلح‌آمیز است و هیچ قصدی برای نظامی‌سازی آن ندارد. گروسی همچنین تهدیدات نظامی ترامپ را جدی توصیف کرده است. این اظهارات نشان‌دهنده تلاش آژانس برای حفظ تعادل میان هشدار به ایران و باز نگه داشتن مسیر مذاکره است. آژانس از یک سو می‌خواهد با برجسته کردن تهدیدات نظامی، به‌طور غیرمستقیم ایران را به سمت مذاکره سوق دهد و از سوی دیگر، دوز این تهدید را تا حدی بالا نمی‌برد که ایران از مذاکره ناامید شده و قید آن را بزند.

این رویکرد نشانه‌ای دیگر از هماهنگی ضمنی میان آژانس و قدرت‌های غربی، به‌ویژه آمریکا است که به دنبال احیای مذاکرات هسته‌ای یا جایگزینی برجام با توافقی جدید هستند. آمریکا و متحدانش از طریق نهادهای بین‌المللی مانند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل، فشار بر ایران را افزایش داده‌اند.

■ **اقدام عملیاتی که در دستور کار قرار دارد**

یکی از بندهای کلیدی یادداشت اجرایی ترامپ، الزام نماینده آمریکا

■ ■ ■

امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل آمریکا در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

گزینهٔ محتمل آمریکا در مواجهه با ایران سیاسی است

یک روزمرگی تبدیل شده است. این افراد به‌عنوان مردمانی سرسخت، با کمترین امکانات زندگی می‌کنند و از از مان‌های خود دست‌نمی‌کشند. از نظر آمریکایی‌ها، این ویژگی‌ها یمن را از ایران متمایز می‌کنند. ابوالفتح به این نکته اشاره کرد که از منظر آمریکابا به همین دلیل، ایران از اجرای «وعده‌صادق ۳۳» خودداری کرد، زیرا نگران حملات احتمالی به زیرساخت‌هایش بود. او تأکید کرد اگرچه ایران از نظر نظامی‌به مراتب قوی‌تر از یمن است، اما آسیب‌پذیری بیشتری نیز دارد. ابوالفتح در بخش دیگری از این گفت‌وگو اظهار داشت از نگاه آمریکا، یمنی‌ها به دلیل نداشتن چیزی برای از دست دادن، به آخر خط رسیده‌اند؛ وضعیتی مشابه آنچه برای حماس صدق می‌کند. او توضیح داد حماس نیز دیگر چیزی برای از دست دادن ندارد و هر وعده‌ای که قرار بود به آن‌ها داده شود، محقق نشده است و همین امر آن‌ها را آسیب‌ناپذیر کرده است. اما از نگاه آمریکا، ایران به دلیل مصلحت‌اندیشی و تلاش برای حفظ دارایی‌هایش، آماده مصالحه به نظر می‌رسد. این کارشناس تصریح کرد این تحلیل، دیدگاه شخصی او نیست، بلکه بازتاب نگاه ایالات متحده به این موضوع است. به گفته وی، آمریکا بر اساس این برداشت، سیاست خود را پیش می‌برد و در این مسیر حرکت می‌کند.

■ **از منظر ترامپ صلح در غزه یعنی اخراج فلسطینی‌ها و ساختن کازینو در آن**

ابوالفتح در این مصاحبه اظهار داشت افرادی که به وعده‌های ترامپ باور داشتند، دچار خطا شدند. به اعتقاد ابوالفتح، ترامپ اشتباه بزرگی مرتکب نشد، بلکه بازیریکی عمل کرد و هدفش کسب رأی به هر قیمتی بود. او توضیح داد بخشی از مردم آمریکا تمایل دارند فریب بخورند و به دلایل مختلف، این وعده‌ها را باور کنند. ترامپ خود را «مرد صلح» معرفی کرد و بسیاری برایش کف زدند. این کارشناس در ادامه بیان کرد ترامپ اکنون تلاش می‌کند صلح را برقرار کند، اما صلحی که مدنظر خودش است. می‌گفته ابوالفتح، از نظر ترامپ صلح در غزه به این معناست که فلسطینی‌ها از این منطقه خارج شوند و او بتواند در آنجا کازینوها و ساحل‌های لوکس بسازد. در مورد ایران نیز همین دیدگاه صدق می‌کند. او صلح را مطرح می‌کند، اما صلحی که با خواسته‌های ایران از زمین تا آسمان تفاوت دارد. ابوالفتح تصریح کرد این‌گونه نیست که بتوان گفت ترامپ از منافع کلان آمریکا چشم‌پوشی می‌کند. او توضیح داد که رئیس‌جمهور آمریکا تا حدی قدرت اثرگذاری دارد، اما این هیئت حاکمه ایالات متحده است که مسیر نهایی را تعیین می‌کند. به اعتقاد وی، اگر هیئت حاکمه خواستار تقاهم با ایران باشد، ترامپ نیز در این مسیر همکاری خواهد کرد، اما اگر چنین اراده‌ای وجود نداشته باشد، او به‌تثایی نمی‌تواند مانع این روند شود.

■ **خروج از برجام تصمیم هیأت حاکمه آمریکا بود نه فقط ترامپ**

ابوالفتح با اشاره به خروج آمریکا از برجام، اظهار داشت این تصمیم صرفاً کار شخص دونالد ترامپ یا دولت جمهوری خواه او نبود، بلکه خواست هیئت حاکمه ایالات متحده بود. او افزود اگرچه این اقدام به نام ترامپ ثبت شد، اما حتی اگر او در قدرت نبود، احتمالاً فرد دیگری این تصمیم را اجرا می‌کرد. به گفته وی، این موضوع با آمدن جو بایدن، رقیب ترامپ نیز تأیید شد. بایدن با وجود چهار فرصت برای احیای

تهدید ضدایرانی ترامپ را تکرار کرد

بازوی سیاسی پمپاژ ترس فعال شد

در سازمان ملل به همکاری نزدیک با متحدان کلیدی برای تکمیل روند بازگرداندن تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی علیه ایران است. این یادداشت اجرایی بار دیگر ایران را به نقض پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) متهم کرده و از نماینده آمریکا در سازمان ملل خواسته است که در این نهاد بین‌المللی، تهران را به پاسخگویی وادارد.

در همین راستا، برگزاری منظم جلسات شورای امنیت برای بررسی آنچه «تهدیدات ایران علیه صلح و امنیت بین‌المللی» خوانده شده، به‌عنوان یک وظیفه کلیدی تعیین شده است.

■ **ترویج ترس خودتحریمی است**

در این میان، برخی رسانه‌های داخلی ایران با انتشار تیرهای عجولانه و همراه با ترس از جنگ، به تکمیل پازل فشار بین‌المللی کمک کرده‌اند. گزارش‌هایی که بر احتمال وقوع جنگ تأکید دارند یا تهدیدات ترامپ را بیش از حد بزرگ‌نمایی می‌کنند، می‌توانند به‌طور ناخواسته این پیام را به نهادهای بین‌المللی و آمریکا منتقل کنند که ایران از این تهدیدات هراس دارد.

چنین برداشتی ممکن است طرف مقابل را به ادامه و تشدید فشارها ترغیب کند، زیرا تصور می‌کند این راهبرد در حال نتیجه دادن است. ترویج کمپین ترس نه‌تنها به مذاکرات غیرمستقیم کمک نمی‌کند، بلکه می‌تواند موضع ایران را در برابر فشارهای بین‌المللی تضعیف کند. اگر نهادهای بین‌المللی و آمریکا احساس کنند که ایران تحت تأثیر این تهدیدات قرار گرفته، ممکن است رویکرد نهاجمی خود را تشدید کنند و شانس هرگونه گفت‌وگو سازنده کاهش یابد. اوج چنین رویکردی را نیز می‌توان فعالسازی مکانیسم ماشه دانست. یعنی رسانه‌های داخلی که تهدیدات نظامی آمریکا را ضریب می‌دهند نه‌تنها دست تیم مذاکره‌کننده را خالی می‌کنند بلکه تشدید اقدامات دیپلماتیک و بازگشت قطعنامه‌های ضدایرانی سازمان ملل را محتمل می‌سازند. در مقابل، رسانه‌ها می‌توانند با تمرکز بر توانمندی‌های دفاعی ایران، پایبندی به مواضع اصولی و تأکید بر آمادگی برای مذاکره از موضع قدرت، به تقویت جایگاه کشور کمک کنند.

برای خنثی کردن رویکرد تهدیدآمیز ترامپ باید از معتبرسازی تهدیدات او نیز پرهیز شود. تکرار این جمله که «برای جلوگیری از جنگ باید مذاکره کنیم» دقیقاً همان چیزی است که آمریکا می‌خواهد.

■ ■ ■

امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل آمریکا در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

گزینهٔ محتمل آمریکا در مواجهه با ایران سیاسی است

برجام، این توافق را بازنگرداند. ابوالفتح نتیجه گرفت که این مسئله به شخص ترامپ مربوط نیست، بلکه به سیاست‌های کلان هیئت حاکمه آمریکا وابسته است. او خاطرنشان کرد اکنون نیز صحبت‌های ترامپ درباره وعده‌هایش در همین چهارچوب مطرح می‌شود و او وعده‌های محقق‌نشده بسیاری داده است. از نظر این کارشناس، برداشت کنونی در آمریکا این است که ایران در برابر فشار سیاسی ناشی از سیاست‌های ترامپ و تهدید به جنگ قرار گرفته است، با این پیام که اگر مذاکره نکنند، تبعات آن را خواهد دید.

■ **آژانس مواجهه‌اش با ایران را متناسب با آمریکا تنظیم می‌کند**

ابوالفتح در ادامه توضیح داد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی عمدتاً تحت تأثیر سیاست‌های ایالات متحده عمل می‌کند؛ هرچند این موضوع به‌صورت رسمی اعلام نشود. به گفته ابوالفتح، این وابستگی به شخص دبیرکل یا رئیس آژانس بستگی ندارد و تغییر چندان نمی‌کند. اگر ایران و آمریکا روابط دوستانه داشته باشند، آژانس رویکرد ملایم‌تری در پیش می‌گیرد، اما در شرایط تقابلی نمی‌توان انتظار داشت که آژانس مستقل عمل کند یا از ایران حمایت کند. ابوالفتح در مورد اظهارات گروسی این نکته را نیز افزود که همه می‌دانند در صورت نبود توافق، احتمال جنگ وجود دارد. این موضوع از زبان گروسی شنیده می‌شود، اما حتی مردم عادی در خیابان‌ها نیز چنین نظری دارند.

ابوالفتح همچنین با توجه به اظهارات گروسی در مورد توانایی ایران در ساخت سلاح اتمی به تعریف سلاح اتمی پرداخت و اظهار داشت گزارش‌ها نشان می‌دهند ایران مواد لازم برای ساخت ۶ یا ۷ بمب اتمی را دارد، اما این به معنای داشتن بمب آماده نیست. او تأکید کرد داشتن مواد اولیه با داشتن سلاح اتمی عملیاتی متفاوت است. به گفته وی، خود آژانس اعلام کرده اگر ایران تصمیم به ساخت بمب اتمی بگیرد، حدود دو سال زمان نیاز دارد تا کلاهک هسته‌ای تولید و آزمایش کند. این مواد اولیه وجود دارد و مقدار آن به‌صورت کیلوگرم مشخص است، اما این توانایی هنوز بالقوه است و به مرحله بالفعل نرسیده است. او نتیجه گرفت که وقتی از «بمب اتمی ایران» سخن گفته می‌شود، منظور بمب آماده نیست و طبق گزارش‌ها، ایران هنوز به این سمت حرکت نکرده است.

■ **سازمان‌های بین‌المللی تحت تأثیر آمریکایی‌ها عمل می‌کنند**

ابوالفتح اظهار داشت ایالات متحده تنها به وزارت خارجه خود محدود نمی‌شود و اکثر سازمان‌های بین‌المللی، به‌ویژه آن‌هایی که کارکرد سیاسی و امنیتی دارند، عمدتاً تحت تأثیر سیاست‌های آمریکا عمل می‌کنند. به گفته وی، حتی سازمان ملل متحد گاهی به‌گونه‌ای رفتار می‌کند که گویی بخشی از ساختار وزارت خارجه آمریکاست. او افزود سازمان‌هایی مانند سازمان بهداشت جهانی ممکن است تا حدی استقلال بیشتری داشته باشند، اما وقتی آمریکا تصمیم به پیشبرد پروژه‌ای، به‌ویژه در حوزه نظامی می‌گیرد، ابزارهای متعددی را به کار می‌گیرد. این ابزارها شامل رسانه‌ها، صنعت هالیوود، موزیسین‌ها، مراسمی مانند جوایز گرمی، مصاحبه‌ها و جشن‌ها می‌شود. ابوالفتح به‌عنوان مثال به دعوت از شروین



فرهنگیختگان

گزینهٔ محتمل آمریکا در مواجهه با ایران سیاسی است

حاجی‌پور و اهدای جایزه به او، حتی به‌صورت غیابی اشاره کرد و گفت بانوی اول ایالات متحده در این مراسم حضور یافته تا این جایزه را اعطا کند. او این اقدامات را بخشی از راهبرد کلان سیاست خارجی آمریکا دانست و تأکید کرد استفاده از این ابزارها کاملاً طبیعی است. به اعتقاد وی، دبیرکل سازمان ملل یا هر سازمان بین‌المللی دیگر، در عمل به‌نوعی کارمند آمریکا محسوب می‌شود و این سازمان‌ها با دریافت حقوق خود، بعید است ادعای استقلال از آمریکا را مطرح کنند.

■ **گزینه محتمل سیاسی است نه نظامی**

ابوالفتح توضیح داد این وضعیت به این معناست که ایران یا باید با آمریکا به توافق برسد یا حداقل با فعال شدن مکانیسم ماشه مواجه شود. به گفته وی اگر جنگی رخ ندهد استفاده از این مکانیسم همچنان محتمل است. او افزود آمریکا و متحدانش تمام تلاش خود را در اینباره به کار گرفته‌اند، سازمان ملل بیانیه‌ای صادر کرده و سه کشور به همراه آمریکا اعلام کرده‌اند از مکانیسم ماشه استفاده خواهند کرد. ابوالفتح به اظهارات مقامات انگلیسی اشاره کرد که گفته‌اند: «تردید نکنید، ما این مکانیسم را به کار خواهیم گرفت.» او بخشی از این تحولات را به سخنان رافائل گروسی مرتبط دانست و نتیجه گرفت که ایران با به توافق می‌رسد یا در صورت عدم توافق، حداقل با مکانیسم ماشه روبه‌رو خواهد شد. به گفته وی، آمریکا ایران را در موقعیتی قرار داده که باید تصمیم بگیرد. با این حال، او تأکید کرد ایران ابزارهای متعددی در اختیار دارد و می‌تواند با مانور سیاسی، خواسته‌های خود را مطرح کند. ابوالفتح خاطرنشان کرد این‌گونه نیست که هر آنچه آمریکا بخواهد، محقق شود، اما مسیری که برای ایران مشخص شده، روشن است. او افزود افرادی که این موضوعات را دنبال می‌کنند، از پایان احتمالی این ماجرا آگاهند و حداقل نتیجه آن فعال شدن مکانیسم ماشه خواهد بود. ابوالفتح تصریح کرد بعد می‌داند مکانیسم ماشه فعال نشود، اما جنگ را چندان محتمل نمی‌بیند و فعال شدن مکانیسم ماشه را بسیار محتمل توصیف کرد.

■ **رسانه‌ها پمپاژ ترس نکنند**

ابوالفتح در بخش دیگری از سخنان خود به واکنش‌های رسانه‌ای در ایران پرداخت و اظهار داشت برخی افراد ادعا می‌کنند «جنگ قطعی است، مردم پول‌های خود را از بانک‌ها بیرون بکشید، دلار بخرید و بنزین ذخیره کنید.» او تأکید کرد رسانه‌ها باید با احتیاط بیشتری عمل کنند. به گفته وی، جنگی که رهبری بارها به آن اشاره کرده‌اند، شبیه جنگ‌های عراق، افغانستان یا ویتنام نیست که با اعزام صدها هزار نیرو همراه باشد، بلکه به شکل جنگ شناختی و جنگ ادراکی خواهد بود. ابوالفتح افزود رسانه‌ها در این فضا نقش مهمی دارند و باید در انتخاب تیترها و انتشار اخبار محتاط‌تر باشند. او با انتقاد از برخی روزنامه‌ها گفت وقتی یک مقام آمریکایی اظهارنظر ساده‌ای می‌کند، آن را بزرگ‌نمایی کرده و تیرهایی در مورد نزدیک شدن به جنگ منتشر می‌کنند. وی تصریح کرد نمی‌توان جلوی آمریکایی‌ها را گرفت، اما ایران می‌تواند رفتار خود را کنترل کند. ابوالفتح این وضعیت را یک ضعف بزرگ دانست و گفت گویی مسابقه‌ای شکل گرفته که هرکس بتواند بیشتر مردم را بترساند، برنده است.